

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال سیزدهم شماره ۵۱ پاییز ۱۳۹۷

نقش هیجان‌های خودآگاه و تئوری ذهن در پیش‌بینی توجیه روابط فرازناشویی در افراد متأهل

سمیه تکلوی^۱

رویا زارع^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش هیجان‌های خودآگاه (شرم و گناه) و تئوری ذهن در پیش‌بینی توجیه روابط فرازناشویی افراد متأهل و روش پژوهش همبستگی بود. در راستای هدف فوق، از جامعه زنان و مردان متأهل ساکن شهر اردبیل در سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه هیجان خودآگاه تانگنی و همکاران، ذهن‌خوانی از طریق تصویر چشم بارن و کوهن، و توجیه روابط فرازناشویی گلس استفاده شد. داده‌های پژوهش با روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد تئوری ذهن ($r=0/67$) با توجیه روابط فرازناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار، احساس شرم ($r=-0/82$) با توجیه روابط فرازناشویی رابطه منفی معنی‌دار دارند و این دو متغیر در مجموع قادر به پیش‌بینی ۷۳ درصد از واریانس توجیه روابط فرازناشویی هستند. همچنین نتایج نشان داد که بین احساس گناه و توجیه روابط فرازناشویی رابطه معنی‌داری وجود ندارد و این متغیر توانایی پیش‌بینی توجیه روابط فرازناشویی را ندارد. بنابراین یافته‌های تحقیق حاضر بر اهمیت توجه به احساس شرم و تئوری ذهن در مداخلات خیانت‌های زناشویی و شناسایی افراد در معرض روابط فرازناشویی تأیید دارد.

واژگان کلیدی: هیجان‌های خودآگاه؛ تئوری ذهن؛ روابط فرازناشویی

۱- استادیار گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

Email:staklavi@gmail.com

۲- گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی است که بسیاری از نیازهای جسمی و روانی افراد در چهار چوب آن برآورده می‌شود. یکی از عواملی که استمرار حیات خانوادگی و سلامت خانواده را با چالش مواجه می‌کند، روابط فرزندناشویی^۱ می‌باشد (لودو و هویگر^۲، ۲۰۱۳) که مهم‌ترین عامل تهدیدکننده عملکرد، ثبات و تداوم روابط زناشویی است (مارک، جانسون، میهاوسن^۳، ۲۰۱۱).

روابط فرزندناشویی بر اساس یک تعریف کلی نقض تعهد رابطه دو نفره است که به شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه منجر می‌شود (آویرام و آمیچا^۴، ۲۰۰۵) و اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی یا جنسی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می‌پیوندد. وقتی نیازهای فرد توسط فردی از جنس مخالف برطرف می‌شود، آن قدر در فرد احساس رضایت و خشنودی ایجاد می‌کند که او خطر داشتن روابط پنهانی با آن شخص را به جان می‌خرد (هارلی و چالمرز^۵، ترجمه حسینی و آرام‌نیا، ۱۳۸۵). از دیگر دلایل شخصی برای درگیر شدن در روابط فرزندناشویی می‌توان مواردی چون کنجکاوی، تنوع‌طلبی، انگیزه‌های تجربه‌ای، مبارزه با ناکارآمدی و کسب اعتمادبه‌نفس، سرگرمی، گریز از واقعیت، مشکلاتی در رابطه با صمیمیت، انتقام و کاوش جهت‌گیری جنسی را نام برد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱). از نگاهی جامع به پدیده روابط فرزندناشویی میزان شیوع، علل و زمینه‌ها و هم‌چنین پیامدهای آن اهمیت داشته و مورد توجه محققان، سیاست‌گذاران و درمانگران بوده است. شیوع خیانت زناشویی از پژوهشی به پژوهش دیگر و در کشورهای مختلف متفاوت است (رحیمی، ۱۳۹۲). هنوز هیچ آماری درباره میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی در ایران منتشر نشده است، اما بعضی تحقیقات اشاره‌هایی به این موضوع کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، بیشترین آمار قتل‌های خانوادگی که ۳۰ درصد است، به زنانی مربوط است که به‌دلیل رابطه نامشروع و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط

1- Extra marital relationships
3- Mark, Janssen & Milhausen
5- Harley & Chalmers

2- Loudou & Haviger
4- Aviram & Amichai

همسرانشان است که در ۴۰ درصد، زنان با همدستی معشوق خود شوهرانشان را به قتل رساندند (فتحی، فکر آزاد، غفاری، ۱۳۹۲). توجیه روابط فرازنشویی، دلیل تراشی‌های متداول افراد برای درگیر شدن در روابط فرازنشویی می‌باشد (نوابی و محمدی آریا، ۱۳۹۳) و بر اساس نتایج مطالعات، بین توجیه روابط فرازنشویی و درگیر شدن در این‌گونه روابط همبستگی مثبت معنادار مشاهده شده است (چایک^۱، ۲۰۱۳).

با توجه به اهمیت نهاد خانواده و کارکردهای متنوع و حیاتی آن، روابط فرازنشویی پدیده‌ای بسیار مخرب و در عین حال چندبعدی و پیچیده است (نوابی و محمدی آریا، ۱۳۹۴) و عوامل متعدد شخصیتی، اجتماعی و خانوادگی از عوامل سبب‌ساز رابطه فرازنشویی می‌باشند که از آن میان می‌توان به هیجان‌ها خودآگاه^۲ و تئوری ذهن^۳ اشاره نمود. هیجان‌ها خودآگاه، هیجان‌هایی‌اند که خود در آن‌ها نقش محوری دارد و با خود ارزشیابی همراه‌اند. از جمله هیجان‌ها خودآگاه اخلاقی، دو هیجان شرم و گناه می‌باشد که در سطوح فردی و ارتباطات اجتماعی کارکرد مهمی دارند (جوکار، کمالی، ۱۳۹۴). همچنین لوپس^۴ (۱۹۹۳) معتقد است که شرم و احساس گناه هر دو هیجانی هستند که به عمل در رابطه بین فردی منجر می‌شوند، شرم نوعاً به کوشش برای از خود راندن، مخفی کردن یا فرار از روابط بین فردی منجر می‌شود اما احساس گناه مردم را به سمت اعمال سودمندتر و سازنده‌تر و جهت‌دهی‌های مبتنی بر آینده سوق می‌دهد. هنگامی که در زندگی تعارضات افزایش می‌یابند، اعتماد بین زوجین شروع به کاستن می‌کند و زوجها نسبت به یکدیگر تعهد کمتری نشان می‌دهند. بنابراین این احتمال وجود دارد که هنگام افزایش تعارض و در نتیجه تعاملات اختلاف‌برانگیز بین زوجان تجربه احساسات شرم و گناه افزایش یابد (زارعی و حسینقلی، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از عوامل مورد بحث این پژوهش تئوری ذهن می‌باشد. نظریه ذهن متشکل از دو مولفه اساسی می‌باشد: یک- مولفه شناختی یا تئوری ذهن شناختی دو- مولفه هیجانی یا تئوری ذهن هیجانی. تئوری ذهن شناختی به توانایی استنباط و پیش‌بینی باورها

1- Chuick

3- Theory of mind

2- Self-conscious Affect

4- Lewis

و نیات و افکار و اعتقادات دیگران و تئوری ذهن هیجانی به توانایی استنباط حالات عاطفی و هیجانی و احساسی دیگران اشاره دارد و مفهوم تئوری هیجانی با همدلی مترادف می‌باشد (شمای - تسوی، هارای، آهارون - پورتز و همکاران^۱، ۲۰۰۹). در این پژوهش تئوری ذهن هیجانی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش‌های مختلف تأثیرات نظریه ذهن بر خودتنظیمی، مهارت‌های حل مسئله، فرایندهای مهار اجرایی، خودپنداشت، مهارت‌های بین فردی، درک هیجانات، رفتارهای جامعه‌پسند، همدلی و همدردی مشخص شده است (عیسی‌زاده، ۱۳۹۳). تحقیق براوو و لیپکن^۲ (۲۰۱۰) حاکی از آن است که نقص در همدلی یکی از عوامل موثر در خیانت زناشویی است. پس به نظر می‌رسد داشتن تئوری ذهن باعث بهبود زندگی زناشویی و نقص در تئوری ذهن سبب تعارضات زناشویی و درنهایت منجر به روابط فرازناشویی شود. پیزارو و فرناندز^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت منفی رابطه زناشویی از دلایل درگیر شدن و دوام زنان در رابطه فرازناشویی است. در حقیقت نتایج پژوهش پیزارو و فرناندز (۲۰۱۵) نشان می‌دهد عدم ارضای به‌موقع نیازهای روانی افراد زمینه‌ساز بروز روابط فرازناشویی می‌باشد. فتحی، فکر آزاد، غفاری، بوالهروی (۱۳۹۱) عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان را بررسی کرده و نشان دادند با وجود آنکه اکثر افراد مورد مطالعه، برآورده نشدن توقعات ازدواج و عدم ارضای نیازهای عاطفی و جنسی در روابط زناشویی را به‌عنوان دلیل اصلی بی‌وفایی خود بیان نموده‌اند اما نباید از تأثیر خصوصیات، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، عوامل کلان اجتماعی و تسهیل‌کننده در این زمینه غافل ماند. زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که احساس شرم با تعهد زناشویی رابطه منفی معنادار دارد و احساس گناه با تعهد زناشویی رابطه معناداری ندارد. سعیدی، قربانی، سرافراز، شریفیان (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که آمادگی برای شرم به‌صورت مثبت با هیجانات ناخوشایند ارتباط دارد و آمادگی برای گناه با هیچکدام از هیجانات رابطه‌ای نشان نداد. علی اکبری و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که تئوری ذهن قادر به پیش‌بینی همدلی است و تئوری ذهن بر میزان همدلی فرد اثر می‌گذارد. براوو و لیپکن (۲۰۱۰) در مدلی که جهت تبیین خیانت‌های زناشویی ارائه می‌دهند

1- Shamay, Tsoovy & Aharon- Pertaz
3- Pizarro & Fernandez

2- Bravo & Lmpkin

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رخداد این پدیده را نیازهای برآورده نشده و نقایص موجود در پاسخ‌دهی همدلانه عنوان می‌کنند. گارسیا و سوریانو (۲۰۱۷) در پژوهشی با هدف بررسی روابط رمانتیک زوجان به این نتیجه دست یافتند که هر چقدر روابط هیجانی، عاطفی بین زوجین بیشتر باشد، خیانت‌های زناشویی کمتر می‌شود و روابط زوجان پایدارتر و رضایتمندتر خواهد بود. اگرچه تحقیقاتی در رابطه با روابط فرا زناشویی انجام شده است، ولی پژوهش‌های اندکی در این زمینه از نظر گاه هیجان‌ات خودآگاه و تئوری ذهن صورت گرفته است. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش هیجان‌ات خودآگاه (شرم و گناه) و تئوری ذهن در پیش‌بینی توجیه روابط فرازناشویی افراد متأهل صورت گرفت.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری آن را زنان و مردان متأهل ۲۵ تا ۴۵ ساله تشکیل می‌دادند. نمونه‌گیری به روش در دسترس در سال ۱۳۹۵ در شهر اردبیل انجام گرفت. با توجه به اینکه حداقل نمونه در تحقیقات همبستگی ۵۰ نفر می‌باشد. جهت افزایش اعتبار پژوهش حجم نمونه ۱۴۰ نفر برآورد شد. معیارهای ورود به مطالعه داشتن همسر و گذشت ۵ سال از تاریخ ازدواج افراد بود. برای گردآوری اطلاعات پس از اخذ مجوز و هماهنگی‌های لازم به مراکز عمومی (فرهنگسراها، مدارس، مساجد، دانشگاه‌ها) مراجعه شد و پس از انتخاب نمونه آماری، ضمن تبیین هدف پژوهش، به افراد اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه می‌باشد و سپس پرسشنامه‌های هیجان‌ات خودآگاه، ذهن‌خوانی از طریق چشم و توجیه روابط فرازناشویی در اختیار آن‌ها قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد پرسشنامه‌ها را با دقت تکمیل کنند. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به کمک نرم‌افزار SPSS-18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

آزمون هیجان خودآگاه (Tosca-2): آزمون عاطفه خودآگاه توسط تانگنی و همکاران (۱۹۹۲) ساخته شده است. این آزمون یک ابزار خودسنجی مداد و کاغذی است که ۱۶ موقعیت

(سناریو) شرایط زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می‌دهد و پاسخ‌دهندگان پاسخ‌های احساسی، عاطفی و رفتاری خویش و احتمال پاسخ خود به آن‌ها را رتبه می‌دهند. تمام سناریوهای این آزمون آیتم‌های احساس شرم و اشتغال ذهنی با احساس گناه هستند. (بعضی از آیتم‌ها شامل دفاع‌های شخصی جداسازی، بی‌تفاوتی و برونی کردن هستند). آزمودنی پاسخ‌های خود را به صورت لیکرت پنج درجه‌ای رتبه می‌دهد که دامنه آن‌ها از یک به معنی «احتمال ندارد» تا پنج به معنی «احتمال زیاد» است. نمره پایین در این پرسشنامه بیانگر ارزیابی منفی فرد از خویشتن خود، رفتارها و عمل‌هایش است. تانگنی، واگنر و گرمزو^۱ (۱۹۹۲) روایی سازه دو مقیاس مستعد بودن به شرم و مستعد بودن به گناه را در حد مناسب گزارش کرده‌اند. در پژوهش فرگوسن و همکاران (۲۰۰۱) که بر روی ۱۳۲ دانشجوی مقطع کارشناسی صورت گرفت، ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس شرم ۰/۸۱ و برای احساس مستعد بودن به گناه ۰/۷۸ گزارش شده است. (ثنایی، ذاکر، ۱۳۸۷). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مستعد بودن به شرم و مستعد بودن به گناه به ترتیب ۸۰٪ و ۷۵٪ به دست آمده است.

آزمون ذهن‌خوانی از طریق تصویر چشم؛ این آزمون توسط بارون-کوهن و همکاران در سال ۲۰۰۱ ساخته شده است. برای سنجش نظریه ذهن از «نسخه کامپیوتری تست تجدیدنظر شده ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها بارون-کوهن^۲» استفاده شد. فرم تجدیدنظر شده این تست (فرم ۳۶ آیتمی) شامل عکس‌هایی از ناحیه چشم هنرپیشه‌های زن و مرد است. با هر آیتم چهار توصیف حالت ذهنی ارائه می‌شود. تنها با استفاده از اطلاعات بینایی از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود کلمه‌ای که بهترین توصیف‌کننده فکر یا احساس چشم‌هاست را انتخاب کنند. نمره بین ۲۲-۳۰ نشانگر نظریه ذهن متوسط، نمره کمتر از ۲۲ نشانگر نظریه ذهن پایین و نمره بالاتر از ۳۰ نشانگر نظریه ذهن بالاست. اعتبار و همسانی درونی این آزمون بعد از ترجمه در پژوهش علیلو، بخش‌یور، بافنده قراملکی، خانجانی و رنجبر (۱۳۹۰) هم چنین در پژوهش بافنده (۱۳۹۰) از طریق روش آلفای کرونباخ ۷۳٪ به دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی کلی پرسشنامه آزمون ذهن‌خوانی از طریق چشم با استفاده

1- Tangney, Wagner & Gramzw

2- Baron-cohen

استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۶۹٪ به دست آمد.

پرسشنامه توجیه روابط فرا زناشویی: این مقیاس یک پرسشنامه ۱۷ ماده‌ای که توسط گلس^۱ (۱۹۸۱) ساخته شده، که توجیهات و دلیل تراشی‌های متداول افراد برای درگیر شدن در روابط فرا زناشویی را مورد بررسی قرار می‌دهد. خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه عبارت است از: ۱- توجیهات جنسی از قبیل به‌دست آوردن هیجان، لذت و رضایت جنسی، ۲- انگیزه‌های بیرونی از قبیل پیشرفت شغلی و انتقام از همسر، ۳- نزدیکی عاطفی مانند تفاهم، دوستی، افزایش عزت‌نفس و احترام بین فردی و ۴- عشق و انگیزه‌های عاشقانه. گرچه این ابزار «توجیه روابط فرا زناشویی» را می‌سنجد، اما براساس نتایج مطالعات، بین توجیه روابط فرا زناشویی و درگیر شدن در این روابط همبستگی مثبت معنادار مشاهده شده است (چاپک^۲، ۲۰۱۳). چاپک همسانی درونی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۹۱٪ گزارش نمود. در ایران در مطالعه‌ی شریفی و همکاران (۱۳۹۱) ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۹۴٪ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۷۱٪ به دست آمد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر تعداد ۱۴۰ فرد متاهل مورد ارزیابی قرار گرفتند که ۶۹ نفر از آن‌ها مرد متاهل و ۷۱ نفر زن متاهل بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان برابر با ۳۶/۲۲ سال بود. ۱۵/۷ درصد آزمودنی‌ها دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۷/۹ درصد کاردانی، ۳۷/۹ درصد کارشناسی، ۲۶/۴ درصد کارشناسی ارشد و ۱۲/۱ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری و یا معادل پزشکی بودند. ۱۸/۶ درصد آزمودنی‌ها بیکار، ۲۸/۶ درصد کارمند دولتی، ۲۰ درصد شغل آزاد، ۷/۹ درصد پزشک، ۱۲/۱ درصد معلم، ۲/۱ درصد وکیل، ۱/۴ درصد راننده، ۰/۷ درصد خیاط، ۵ درصد مهندس، ۰/۷ درصد نظامی، ۱/۲ درصد استاد دانشگاه بودند. مدت زمان ازدواج ۶۱/۴ درصد آزمودنی بین پنج تا ۱۰، ۳۰/۱ درصد ۱۱-۱۵ سال، ۵/۷ درصد ۱۶-۲۰ سال، ۲/۱ درصد ۲۱-۲۵ سال و ۰/۷ درصد ۲۶-۳۰ سال بوده است. ۱۷/۱ درصد

1- GLASS(1981

2- Chuick

آزمودنی‌ها بدون فرزند، ۴۹/۳ درصد دارای یک فرزند، ۲۸/۶ درصد دارای دو فرزند، ۴/۳ درصد دارای سه فرزند و ۰/۷ درصد نیز دارای چهار فرزند بودند.

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای توجیه روابط فرازناشویی، تئوری ذهن و هیجانات خودآگاه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
توجیه روابط	۴۸/۱۴	۱۰/۱۸	شرم	۴۱/۰۹	۷/۹۲
فرازناشویی			گناه	۵۵	۶/۶۹
تئوری ذهن	۲۰/۵۲	۱۷/۲	هیجانات خودآگاه (نمره کل)	۱۰۱/۰۹	۷/۴۶

همان‌طور که در جدول (۱) قابل مشاهده است؛ میانگین (و انحراف استاندارد) داده‌ها در متغیر توجیه روابط فرا زناشویی، ۴۸/۱۴ (۱۰/۱۸) است. میانگین (و انحراف استاندارد) داده‌ها در هیجانات خودآگاه ۱۰۱/۰۹ (۷/۴۶)، در متغیر شرم ۴۱/۰۹ (۷/۹۲) متغیر گناه ۵۵ (۶/۶۹) و متغیر تئوری ذهن ۲۰/۵۲ (۱۷/۲) می‌باشد. به منظور بررسی چگونگی ارتباط متغیرهای پژوهش و رعایت پیش‌فرض‌های محاسبه ضرایب همبستگی و انجام تحلیل‌های رگرسیون، نرمال بودن متغیرها از طریق آماره ویلکس-شاپیرو و محاسبه چولگی و کشیدگی بررسی گردید و خطی بودن روابط نیز از طریق نمودار پراکنش بین متغیرها تأیید گردید.

جدول (۲) نتایج تحلیل همبستگی توجیه روابط زناشویی با هیجانات خودآگاه، و تئوری ذهن آزمودنی‌ها

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین		
	آماره	هیجانات خودآگاه	تئوری ذهن
توجیه روابط	ضریب همبستگی	شرم گناه کل	۰/۸۲ -۰/۰۱ -۰/۳۵
فرازناشویی	سطح معنی‌داری	شرم گناه کل	۰/۰۰۰ ۰/۰۸۶ ۰/۰۰۰

مندرجات جدول (۲) ماتریس همبستگی، نشان می‌دهد که هیجان شرم ($R=-۰/۸۲$)، و کل هیجانات خودآگاه ($R=-۰/۳۵$) با توجیه روابط فرازناشویی رابطه منفی و معنادار در سطح ۰/۰۱ دارند و رابطه هیجان گناه ($R=۰/۰۱$) با توجیه روابط فرازناشویی معنادار نیست.

علاوه بر این طبق جدول فوق، تئوری ذهن ($R=0/67$) به‌طور مثبت در سطح $0/01$ با توجیه روابط فرازناشویی رابطه معنادار دارد.

جدول (۳) نتایج تحلیل رگرسیون همزمان توجیه روابط فرازناشویی با هیجان‌های خودآگاه (شرم و گناه) و تئوری ذهن

آماره					
P	t	β	SE	B	متغیر پیش بین
0/000	3/47	0/28	0/25	1/33	تئوری ذهن
0/000	-8/1	-0/66	0/07	-0/84	هیجان شرم
0/53	-2/43	-0/02	0/06	-0/04	هیجان گناه
$P < 0/001$	$F = 127/98$	$R^2 = 0/73$	$R = 0/85$		

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد، میزان F محاسبه شده ($127/98$) برای متغیرهای پیش بین در سطح $p < 0/001$ معنادار است که نشانگر این است که متغیرهای پیش‌بین توجیه روابط فرازناشویی آزمودنی‌ها را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج ضریب رگرسیون مربوط به پیش‌بینی توجیه روابط فرازناشویی نشان داد که هیجان شرم ($\beta = -0/66$) و تئوری ذهن ($\beta = 0/28$) به ترتیب بیشترین ضریب تأثیر را در پیش‌بینی توجیه روابط فرازناشویی داشتند. و تئوری ذهن ($\beta = 0/28$) اثر پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معنادار و هیجان شرم ($\beta = -0/66$) اثر پیش‌بینی‌کنندگی منفی و معنادار را بر توجیه روابط فرازناشویی آزمودنی‌ها دارند. همچنین مطابق این جدول هیجان‌های خودآگاه و تئوری ذهن به‌طور همزمان 73% از تغییرات توجیه روابط فرازناشویی آزمودنی‌ها را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش هیجان‌های خودآگاه (شرم و گناه) و تئوری ذهن در پیش‌بینی توجیه روابط فرازناشویی افراد متأهل بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که احساس شرم با توجیه روابط فرازناشویی رابطه منفی و معنی‌دار دارد. از آنجا که نمرات پایین در پرسشنامه توجیه روابط فرازناشویی بیانگر تأیید بیشتر روابط فرازناشویی از دید پاسخ‌دهنده می‌باشد، در نتیجه بین شرم و توجیه روابط فرازناشویی رابطه منفی وجود دارد، بدین معنی

که با افزایش نمرات شرم، نمرات توجیه روابط فرا زناشویی کاهش می‌یابد. اما میان گناه و توجیه روابط فرا زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که شرم می‌تواند به‌طور معنی‌داری ($\beta = -0.66$) توجیه روابط فرا زناشویی را پیش‌بینی کند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش سعیدی، قربانی، سرافراز، شریفیان (۱۳۹۱) و زارعی، حسینقلی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. این مطالعات نشان داده‌اند که احساس شرم با تعهد زناشویی رابطه منفی و معنادار دارد (زارعی و حسینقلی، ۱۳۹۳). و رابطه بین شرم و هیجانات ناخوشایند و خیانت زناشویی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱). در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت، احساس شرم همسران را از هم جدا می‌کند و به ارتباطات آنها آسیب می‌زند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). شرم به‌عنوان یکی از عوامل رشد شناخته می‌شود که در کودکی شکل می‌گیرد. هنگامی که کودک در رابطه با مراقب اولیه‌اش احساس امنیت عاطفی نکند، احساس شرم شکل می‌گیرد. هنگامی که افراد برای چگونگی احساس در مورد خودشان و سازگاری برای ایجاد یک رابطه ایمن نیازمند تأیید همسرشان می‌شوند، احساس شرم در آنها ایجاد شده و نمی‌توانند در رابطه خود با همسرشان احساس امنیت و رضایت کنند (بلیورگلن^۱، ۲۰۰۷). پس هنگامی که تجربه شرم افزایش یابد قابل پیش‌بینی است که تعهد زناشویی کاهش پیدا کند (زارعی و حسینقلی، ۱۳۹۳). با توجه به نتایج تحقیق بین احساس گناه و توجیه روابط فرا زناشویی رابطه معنی‌داری یافت نشد و احساس گناه توانایی پیش‌بینی توجیه روابط فرا زناشویی را نداشت. این یافته با یافته زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. درباره نکات تبیینی این نتیجه می‌توان گفت که افراد در حین تجربه گناه تمایل دارند همدلی معطوف به بیرون، خصوصاً نسبت به قربانی اشتباه خود را نشان دهند و معمولاً با اعتراف کردن، عذرخواهی و جبران آنچه که اتفاق افتاده است همراه است. هم چنین یکی از دلایل عدم توانایی گناه در پیش‌بینی توجیه روابط فرا زناشویی می‌تواند این ایده باشد که برخی اوقات شرم و گناه در تجارب افراد تداخل دارند زیرا مستعد بودن به شرم عمده‌تاً یک هیجان شدیدتر و قوی‌تر است که می‌تواند زمانی که با گناه ترکیب شود تأثیر گناه را کاهش دهد (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). نتایج تحقیق نشانگر این واقعیت است که خودسنجی و آگاهی از هیجان‌های خود (هیجانات خودآگاه) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده توجیه روابط فرا زناشویی در

1- Blavier & Glenn

افراد متاهل باشد. هیجان‌ها در زمینه روابط بین فردی و هدایت رفتار در موقعیت‌های مختلف نقش موثری دارند، در حقیقت خودسنجی و آگاهی از هیجان‌های خود به افراد کمک می‌کند تا تعامل بهتری با همسر خود داشته باشند، و در هنگام تعارض با همسرشان احساس بی‌ارزشی و ناتوانی نکنند و کمتر به دنبال فرار از رابطه و خیانت به همسر خود باشند. یافته‌های مربوط به رابطه تئوری ذهن و توجیه روابط فرا زناشویی نشان داد که تئوری ذهن ($r=0/67$) رابطه مثبت و معناداری با توجیه روابط فرا زناشویی دارد. نتایج رگرسیون نیز نشان داد که تئوری ذهن ($\beta=0/28$) می‌تواند توجیه روابط فرا زناشویی را پیش‌بینی کند. لازم به ذکر است تحقیقی در زمینه رابطه بین تئوری ذهن و روابط فرا زناشویی توسط پژوهشگر یافت نشد. اما در پژوهش‌های مختلف تأثیرات تئوری ذهن بر خود تنظیمی، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های بین فردی، درک هیجان‌ها، همدلی و همدردی مشخص شده است (عیسی زاده، ۱۳۹۳). همچنین علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود نشان دادند که تئوری ذهن پیش‌نیازی برای درک محیط اجتماعی و لازمه رفتارهای اجتماعی رقابت‌آمیز است و تئوری ذهن قادر به پیش‌بینی همدلی است. براوولپکن (۲۰۱۰) در مدلی که جهت تبیین خیانت‌های زناشویی ارائه می‌دهند یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در رخداد این پدیده را نیازهای برآورده نشده و نقایص موجود در پاسخ‌دهی همدلانه عنوان می‌کنند. گارسیا و سوربانو (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که هر چه قدر روابط هیجانی و عاطفی بین زوجان بیشتر باشد، خیانت‌های زناشویی کمتر می‌شود و روابط زوجان پایدارتر و رضایتمندتر خواهد بود. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت از آنجا که تئوری ذهن به فرد دو توانایی را ارائه می‌دهد. اول اینکه به فرد کمک می‌کند تا بتواند ذهن دیگران را بخواند، این توانایی به فرد کمک می‌کند تا حالت ذهن افراد را حدس بزند و به بهترین وجه ممکن با آن‌ها تعامل داشته باشد و از سوی دیگر به فرد کمک می‌کند تا پاسخی موثر و همدلانه به دیگران ارائه دهد (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۲). در نتیجه افراد با ذهن‌خوانی بالا قادر به درک احساسات و هیجان‌های اطرافیان و همسر خود می‌باشند و تعامل بهتری با همسرشان دارند و پیش‌بینی می‌شود که زندگی زناشویی موفق‌تری داشته باشند. همچنین به همسر خود وفادارترند. اما افرادی که در تئوری ذهن نقص دارند مشکلاتی در تقابل اجتماعی دارند (محمدزاده، ۱۳۹۳). آنان فاقد مهارت‌های لازم برای برقراری روابط اجتماعی مطلوب

می‌باشند. لذا در صورتی که در موقعیت‌های اجتماعی به انزوا و حاشیه رانده نشوند و از روابط بین فردی متعددی با بزرگسالان بهره مند باشند، باید همواره به این نکته توجه داشت که این روابط به لحاظ کیفی و ظاهری بوده و فاقد صمیمیت لازم در روابط بین فردی مطلوب است. این ضعف و مشکل در برقراری روابط اجتماعی و سایر مشکلات آنان در زمینه همدلی باعث تحریفات شناختی نسبت به اطرافیان و بالاخص همسر می‌شود، و در نهایت ممکن است منجر به تعارضات زناشویی و روابط فرا زناشویی گردد. به‌طور کلی نتایج تحقیق نشان داد احساس شرم بالا در کنار تئوری ذهن پایین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده توجیه روابط فرا زناشویی در افراد متأهل باشد. بر این اساس به مشاوران و زوج درمانگران پیشنهاد می‌شود که از طریق بالا بردن تئوری ذهن زوجین و آشنا ساختن آنها با تأثیر هیجانات خود آگاه بر رابطه زناشویی، به ارتقا کیفیت زندگی آنها کمک کنند و مانع از فروپاشی نهاد خانواده شوند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده ناگزیر از روش نمونه گیری در دسترس می‌باشد. هم چنین تأثیر ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، جنسیت، طول مدت ازدواج، سن ازدواج مورد بررسی قرار نگرفته است و اثرات این متغیرها کنترل نشده است. از طرفی افراد متأهل از لحاظ وجود اختلالات روانشناختی مورد غربالگری و مصاحبه بالینی قرار نگرفتند. این پژوهش بر روی افراد متأهل شهر اردبیل انجام گرفته، بنابراین در تعمیم این یافته به جامعه‌های دیگر بایستی احتیاط شود. از یافته‌های این پژوهش می‌توان در مشاوره‌های قبل از ازدواج، مشاوره خانواده و مشاوره‌های فردی برای شناسایی افراد در معرض روابط فرا زناشویی استفاده کرد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲
تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰

منابع

- ثنایی ذاکر، باقر (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، چاپ دوم، تهران: انتشارات بعثت.
- جوکار، بهرام و فاطمه کمالی (۱۳۹۴). بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۴(۴)، ۴-۲۱.
- رحیمی، اکرم (۱۳۹۲). بررسی آسیب‌شناسی تعاملی رابطه زوجین قبل از بعد از عهد شکنی شوهران در بین زنان آسیب دیده شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحقیقات اصفهان.
- زارعی، سلمان و فاطمه حسینیقلی (۱۳۹۳). پیش‌بینی روابط زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود در دانشجویان متأهل، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۱)، ۱۱۴-۱۳۰.
- سعیدی، ضحی؛ قربانی، نیما؛ سرافراز، مهدی‌رضا و محمدحسین شریفیان (۱۳۹۱). رابطه شفقت خود، ارزش خود و تنظیم هیجان‌های خود آگاه، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی، ۳(۳)، ۲-۹.
- شریفی، مرضیه؛ حاجی‌حیدری، مهناز؛ خوروش، فریبرز و مریم فاتحی‌زاده (۱۳۹۱). رابطه طرحواره عشق و توجیه فرازناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان، تحقیقات علوم رفتاری (ویژه‌نامه سلامت روان)، ۱۰(۶)، ۵۲۶-۵۳۴.
- علی اکبری و همکاران (۱۳۹۲). بررسی نقش تئوری ذهن و کارکردهای اجرایی در پیش‌بینی همدلی، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۱۵(۲)، ۱-۱۰.
- عیسی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۳). مقایسه ادراک خود و توانایی تئوری ذهن در دانش‌آموزان دارای نشانه‌های خوبی اجتماعی با دانش‌آموزان عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- فتحی، منصور؛ فکرازاد، حسین؛ غفاری، غلامرضا و جعفر بوالهروی (۱۳۹۲). عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۱)، ۱۰۹-۱۳۷.
- محمدزاده ننه‌کران، زهره (۱۳۹۳). مقایسه تئوری ذهن، مسئولیت‌پذیری و تعلل‌ورزی تحصیلی دانش‌آموزان عادی و افسرده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اردبیل.
- نویسی، جعفر و علیرضا محمدی آریا (۱۳۹۴). بررسی ارتباط طرحواره‌های اولیه ناسازگار با توجیه روابط فرازناشویی در میان افراد متأهل، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن علمی پرستاری ایران، ۳(۴)، ۱۷-۲۸.

هارلی و چالمرز (۲۰۰۴). آزادی بی‌وفایی زناشویی، ترجمه حسینی و آرام‌نیا (۱۳۸۵)، تهران: انتشارات نواندیش.

Aviram, L. & Amichai Humburger, Y. (2005). Online in fidelity: Aspects of dyadic satisfaction self-disclosure, and narcissism, *Jcomput Mediat Commun*, 10: 74-84.

Bliver; D,C & Glenn, E. (2007). The role of shame in perception of marital equity, intimacy and competency, *The American Journal of Family Therapy*, 23: 73-82.

Bravo, L.M. & Kmpkin, P.W. (2010). The complex case of marital infidelity: an explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy, *Am J Fam Ther*, 38: 321-421.

Chuick, C.D. (2013). *Gender and infidelity: a study of the relationship between conformity to masculine norms and extra relational involvement (Thesis)*. Iowa, IA: University of Iowa.

Garcia, H. & Soriano, E. (2017). The romantic ideal of men and women involve in the relationship of friends with benefits, *Procedia-social and Behavioral Sciences*, 237: 203-208.

Lewis, M. (1993). Self-conscious emotions: embarrassment, pride, shame, and guilt, in H. Lewis and J. Haviland, *Handbook of Emotions*, New York: Guilford.

Loudov EI, Jani. & Hariger, E.K. (2013). Infidelity as a Threatening Factor to the Existence of the Family, *Procedia-social and Behavioral sciences*, 106: 1462-1469.

Mark, K.P., Janssen, E. & Mihausen, P.R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: demographic, inter personal and personality related predictors of extra dyadic sex, *Archive sex Behavior*, 40: 971-982.

Pizarro, G.J. & Fernandez, G.R. (2015). Estranged Wife, Other Man's Beloved: perspectives of Filipino women involved in extramarital relationships, *sage journals.Sgo.sage pub.com*, 1-12.

Shamay, T., Hagai, H., Judith, A.P. & Techiel, L. (2009). The role of the orbito frontal cortex in affective theory of mind deficits criminal offenders with psychopathic tendencies, *Cortex*, 46(5): 668-677.

Tangney, J.P. & Dearing, R.L. (2002). *Shame and Guilt*, New York & London the Guilford press.